

## استاندارد بین‌المللی حسابداری 2 موجودیها

فهرست مندرجات

<u>از بند</u>	هدف
1	دامنه کاربرد
2	تعاریف
6	اندازه‌گیری موجودیها
9	بهای تمام شده موجودیها
10	مخارج خرید
11	مخارج تبدیل
12	سایر مخارج
15	بهای تمام شده موجودیهای ارائه‌دهندگان خدمات
19	بهای تمام شده تولید کشاورزی برداشت‌شده از
20	داراییهای زیستی
21	روشهای اندازه‌گیری بهای تمام شده
23	الگوهای محاسبه بهای تمام شده
28	خالص ارزش فروش
34	شناسایی به عنوان هزینه
36	افشا
40	تاریخ اجرا
41	کنارگذاری سایر بیانیها

## استاندارد بین‌المللی حسابداری 2 موجودیها

### استاندارد بین‌المللی حسابداری 2

موجودیها

#### هدف

1. هدف این استاندارد، تجویز نحوه حسابداری موجودیها است. موضوع اصلی در حسابداری موجودیها، میزان مخارجی است که به عنوان دارایی قابل شناسایی است و تا زمان شناسایی درآمدهای عملیاتی مربوط، به عنوان دارایی به حساب گرفته می‌شود. این استاندارد درباره نحوه تعیین بهای تمام شده و شناسایی بعدی آن به عنوان هزینه، شامل هرگونه کاهش ارزش برای تعیین خالص ارزش فروش، رهنمودهایی ارائه می‌کند. این استاندارد همچنین درباره الگوی محاسبه بهای تمام شده که برای تخصیص مخارج به موجودیها مورد استفاده قرار می‌گیرد، رهنمودی ارائه می‌کند.

#### دامنه کاربرد

2. این استاندارد برای تمام موجودیها، به جز موارد زیر، کاربرد دارد:

الف. کار در جریان پیمانهای ساخت، شامل قراردادهای خدماتی که ارتباط مستقیم با پیمان دارند (به استاندارد بین‌المللی حسابداری 11 پیمانهای ساخت مراجعه شود)؛

ب. ابزارهای مالی (به استاندارد بین‌المللی حسابداری 32 ابزارهای مالی: ارائه و استاندارد بین‌المللی حسابداری 39 ابزارهای مالی: شناخت و اندازه‌گیری مراجعه شود)؛ و

پ. داراییهای زیستی مربوط به فعالیتهای کشاورزی و تولید کشاورزی در زمان برداشت (به استاندارد بین‌المللی حسابداری 41 کشاورزی مراجعه شود).

3. این استاندارد برای اندازه‌گیری موجودیهایی که توسط اشخاص زیر نگهداری می‌شود، کاربرد ندارد:

الف. تولیدکنندگان محصولات کشاورزی و جنگلی، فرآورده‌های کشاورزی پس از برداشت، و مواد معدنی و محصولات معدنی، در مواردی که طبق رویه‌های رایج صنعت، به خالص ارزش فروش اندازه‌گیری می‌شوند. هرگاه چنین موجودی‌هایی به خالص ارزش فروش اندازه‌گیری شوند، تغییرات ارزش آنها، در دوره تغییر، در سود یا زیان دوره شناسایی می‌شود.

ب. واسطه‌ها - معامله‌گران کالا که موجودیهای خود را به ارزش منصفانه پس از کسر مخارج فروش اندازه‌گیری می‌کنند. هرگاه چنین موجودی‌هایی به ارزش منصفانه پس از کسر مخارج فروش اندازه‌گیری شود، تغییرات در ارزش منصفانه پس از کسر مخارج فروش، در دوره تغییر، در سود یا زیان دوره شناسایی می‌شود.

## استاندارد بین‌المللی حسابداری 2 موجودیها

4. موجودیهایی که در بند 3(الف) به آنها اشاره شد، در مراحل معینی از تولید به خالص ارزش فروش اندازه‌گیری می‌شوند. برای مثال، این امر زمانی واقع می‌شود که محصولات کشاورزی، برداشت یا مواد معدنی، استخراج شده باشد و فروش، بر اساس پیمان آتی یا تضمین دولت، قطعی شده باشد، یا زمانی که بازار فعالی وجود داشته و ریسک عدم فروش، ناچیز باشد. این موجودیها، تنها از الزامات اندازه‌گیری این استاندارد مستثنی می‌شوند.
5. واسطه‌ها - معامله‌گران، اشخاصی هستند که کالاها را برای دیگران یا به حساب خودشان می‌خرند یا می‌فروشند. موجودیهایی که در بند 3(ب) به آنها اشاره شد، اساساً با هدف فروش در آینده نزدیک و ایجاد سود از نوسان قیمت یا حاشیه سود واسطه‌ها - معامله‌گران، تحصیل می‌شوند. هرگاه این موجودیها به ارزش منصفانه پس از کسر مخارج فروش اندازه‌گیری شوند، تنها از الزامات اندازه‌گیری این استاندارد مستثنی می‌شوند.

### تعاریف

6. در این استاندارد، اصطلاحات زیر با معانی مشخص زیر بکار رفته است:

موجودیها داراییهایی هستند که:

الف. برای فروش در روال عادی فعالیت‌های تجاری نگه‌داری می‌شوند؛

ب. به منظور فروش، در فرایند تولید قرار دارند؛ یا

پ. به شکل مواد اولیه یا ملزومات، در فرایند تولید یا برای ارائه خدمات، مصرف می‌شوند.

خالص ارزش فروش، قیمت فروش برآوردی در روال عادی فعالیت‌های تجاری، پس از کسر مخارج برآوردی تکمیل و مخارج برآوردی ضروری برای فروش است.

ارزش منصفانه قیمتی است که برای فروش یک دارایی یا انتقال یک بدهی در معامله‌ای متعارف بین فعالان بازار، در تاریخ اندازه‌گیری قابل دریافت یا قابل پرداخت خواهد بود. (به استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 13 اندازه‌گیری ارزش منصفانه مراجعه شود.)

7. خالص ارزش فروش، به مبلغ خالصی اشاره دارد که واحد تجاری انتظار دارد از فروش موجودی در روال عادی فعالیت تجاری به دست آورد. ارزش منصفانه قیمتی را منعکس می‌کند که در یک معامله متعارف بین فعالان بازار، برای فروش موجودی همانند در بازار اصلی (یا باصرفه‌ترین بازار) برای آن موجودی، در تاریخ اندازه‌گیری تحقق می‌یابد.

## استاندارد بین‌المللی حسابداری 2 موجودیها

خالص ارزش فروش، ارزش مختص واحد تجاری است؛ اما ارزش منصفانه این‌گونه نیست. خالص ارزش فروش موجودیها، ممکن است با ارزش منصفانه پس از کسر مخارج فروش برابر نباشد.

8. موجودیها شامل کالاهای خریداری و نگهداری شده برای فروش مجدد از جمله، برای مثال، کالای خریداری و نگهداری شده توسط خرده‌فروش برای فروش مجدد، یا زمین و سایر املای نگهداری شده برای فروش مجدد می‌باشد. همچنین، موجودیها دربردارنده کالاهای ساخته شده یا کار در جریان ساخت توسط واحد تجاری و مواد و ملزومات آماده مصرف در فرایند تولید می‌باشد. در مورد ارائه‌دهندگان خدمات، موجودیها مخارج خدمات به شرح بند 19، که واحد تجاری هنوز درآمدهای عملیاتی مربوط به آنها را شناسایی نکرده است را شامل می‌شود (به استاندارد بین‌المللی حسابداری 18 درآمد عملیاتی مراجعه شود).

### اندازه‌گیری موجودیها

9. موجودیها باید به اقل بهای تمام شده و خالص ارزش فروش، اندازه‌گیری شوند.

#### بهای تمام شده موجودیها

10. بهای تمام شده موجودیها باید تمام مخارج خرید، مخارج تبدیل و سایر مخارجی که برای رساندن موجودیها به مکان و شرایط فعلی آنها تحمل شده است را شامل شود.

#### مخارج خرید

11. مخارج خرید موجودیها، دربرگیرنده قیمت خرید، عوارض واردات و سایر مالیاتها (به جز مواردی که در آینده توسط واحد تجاری از مراجع مالیاتی قابل بازیافت است) و مخارج حمل، جابجایی و سایر مخارجی است که بطور مستقیم به تحصیل کالای ساخته شده، مواد اولیه و خدمات، قابل انتساب است. تخفیفات تجاری، تخفیفات مقداری و سایر موارد مشابه، هنگام تعیین مخارج خرید کسر می‌شود.

#### مخارج تبدیل

12. مخارج تبدیل موجودیها، شامل مخارجی است که بطور مستقیم به واحدهای تولید شده، مانند کار مستقیم قابل انتساب است. این مخارج، همچنین شامل تخصیص سیستماتیک سربار ثابت و متغیر تولید است که برای تبدیل مواد اولیه به کالای ساخته شده، تحمل می‌شود. سربار ثابت تولید، آن بخش از مخارج غیرمستقیم تولید است که صرفنظر از حجم تولید، نسبتاً ثابت باقی می‌ماند، مانند مخارج استهلاک و نگهداری

## استاندارد بین‌المللی حسابداری 2 موجودیها

ساختمان و تجهیزات کارخانه و مخارج مدیریت و اداره کارخانه. سربار متغیر تولید آن بخش از مخارج غیرمستقیم تولید است که بطور مستقیم یا تقریباً مستقیم، با حجم تولید تغییر می‌کند، مانند مواد غیرمستقیم و دستمزد غیرمستقیم.

13. تخصیص سربار ثابت تولید به مخارج تبدیل، بر مبنای ظرفیت عادی تجهیزات تولید صورت می‌گیرد. ظرفیت عادی، نشان‌دهنده محصولی است که انتظار می‌رود در شرایط عادی، با در نظر گرفتن کاهش ظرفیت ناشی از تعمیر و نگهداری برنامه‌ریزی شده، بطور متوسط طی چند دوره یا فصل، تولید شود. چنانچه سطح واقعی تولید تقریباً نزدیک به ظرفیت عادی باشد، ظرفیت واقعی تولید می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. مبلغ سربار ثابت تخصیص یافته به هر واحد تولید، در نتیجه تولید کمتر یا ظرفیت بلااستفاده، افزایش نمی‌یابد. سربار تخصیص یافته، در دوره وقوع به عنوان هزینه شناسایی می‌شود. در دوره‌هایی که تولید بطور غیرعادی بالا است، مبلغ سربار ثابت تخصیص یافته به هر واحد تولید شده، کاهش می‌یابد تا موجودیها به رقمی بالاتر از بهای تمام شده اندازه‌گیری نشود. سربار متغیر تولید بر مبنای استفاده واقعی از امکانات تولید، به هر واحد تولید شده تخصیص می‌یابد.

14. فرایند تولید ممکن است منجر به تولید همزمان بیش از یک محصول شود. برای مثال، هنگامی که محصولات مشترک تولید می‌شود یا در کنار محصول اصلی، محصول فرعی وجود دارد، چنین موردی مصداق می‌یابد. زمانی که مخارج تبدیل هر محصول، جداگانه قابل تشخیص نباشد، این مخارج بر مبنای منطقی و یکنواخت، بین محصولات تخصیص داده می‌شود. مبنای تخصیص ممکن است، برای مثال، ارزش نسبی فروش هر محصول در مرحله‌ای از فرایند تولید که محصولات، بطور جداگانه قابل تشخیص می‌شود یا در زمان تکمیل تولید باشد. بیشتر محصولات فرعی، از نظر ماهیت، بی‌اهمیت هستند. در چنین حالتی، این محصولات به خالص ارزش فروش اندازه‌گیری می‌شوند و این ارزش، از بهای تمام شده محصول اصلی کسر می‌شود. در نتیجه، مبلغ دفتری محصول اصلی تفاوت بااهمیتی با بهای تمام شده آن نخواهد داشت.

### سایر مخارج

15. سایر مخارج، تنها به میزانی در بهای تمام شده موجودیها منظور می‌شوند که برای رساندن موجودیها به مکان و شرایط فعلی آن، تحمل شده باشند. برای مثال، احتساب سربار

## استاندارد بین‌المللی حسابداری 2 موجودیها

غیرتولیدی یا مخارج طراحی محصولات برای مشتریان خاص در بهای تمام شده موجودیها می‌تواند مناسب باشد.

16. مثالهایی از مخارجی که در بهای تمام شده موجودیها منظور نمی‌شود و در دوره وقوع به عنوان هزینه شناسایی می‌شود، شامل موارد زیر است:

- الف. مبالغ غیرعادی ضایعات مواد اولیه، مخارج دستمزد یا سایر مخارج تولید؛
- ب. مخارج انبارداری، به استثنای مخارجی که در فرایند تولید، قبل از مرحله بعدی تولید، ضروری است؛
- پ. سربار اداری که در رساندن موجودیها به مکان و شرایط فعلی آن نقشی ندارد؛ و
- ت. مخارج فروش.

17. استاندارد بین‌المللی حسابداری 23 مخارج تأمین مالی، شرایط محدودی که در آن شرایط مخارج تأمین مالی در بهای تمام شده موجودیها منظور می‌شود را تعیین می‌کند.

18. ممکن است واحد تجاری موجودیها را با شرایط تسویه آتی خریداری کند. در صورتی که توافق، عملاً دربرگیرنده عذر تأمین مالی باشد، آن عذر، برای مثال، تفاوت بین قیمت خرید در شرایط اعتباری عادی و مبلغ پرداخت‌شده، طی دوره تأمین مالی به عنوان هزینه مالی شناسایی می‌شود.

### بهای تمام شده موجودیهای ارائه‌دهندگان خدمات

19. چنانچه ارائه‌دهندگان خدمات، موجودی داشته باشند، آن را به بهای تمام شده تولید اندازه‌گیری می‌کنند. این مخارج، اساساً دربرگیرنده دستمزد و سایر مخارج مربوط به کارکنانی است که بطور مستقیم در ارائه خدمات مشارکت دارند، از جمله کارکنان سرپرست و سربار قابل انتساب. دستمزد و سایر مخارج مربوط به کارکنان فروش و اداری جزء این مخارج نیست و در دوره وقوع به عنوان هزینه شناسایی می‌شود. حاشیه سود یا سربارهای غیرقابل انتساب که اغلب در تعیین قیمت توسط ارائه‌دهندگان خدمات در نظر گرفته می‌شود، در بهای تمام شده موجودیهای ارائه‌دهندگان خدمات منظور نمی‌شود.

### بهای تمام شده تولید کشاورزی برداشت‌شده از داراییهای زیستی

20. طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 41 کشاورزی، موجودیهای واحد تجاری در صورتی که تولیدات کشاورزی برداشت‌شده از داراییهای زیستی باشد، در شناخت اولیه به ارزش منصفانه

## استاندارد بین‌المللی حسابداری 2 موجودیها

پس از کسر مخارج فروش در زمان برداشت اندازه‌گیری می‌شود. در بکارگیری این استاندارد، مبلغ مزبور، بهای تمام شده موجودیها در آن تاریخ است.

### روشهای اندازه‌گیری بهای تمام شده

21. برای سهولت در اندازه‌گیری بهای تمام شده موجودیها، روش‌هایی مانند روش هزینه‌یابی استاندارد یا روش خرده‌فروشی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. شرایط بر اینکه نتایج آنها به بهای تمام شده نزدیک باشد. بهای تمام شده استاندارد، سطوح عادی مواد اولیه و ملزومات، دستمزد، کارایی و استفاده از ظرفیت را در نظر می‌گیرد. این سطوح، بطور منظم بررسی می‌شوند و در صورت لزوم، با توجه به شرایط جدید، مورد تجدیدنظر قرار می‌گیرند.

22. در صنعت خرده‌فروشی، اغلب برای اندازه‌گیری موجودیهای متشکل از تعداد زیادی اقلام دارای تغییرات سریع با حاشیه سود مشابه که استفاده از سایر روشهای هزینه‌یابی برای آنها غیرعملی است، روش خرده‌فروشی بکار گرفته می‌شود. بهای تمام شده موجودیها، با کسر درصد مناسب سود ناخالص از ارزش فروش موجودیها تعیین می‌شود. درصد مورد استفاده، موجودیهای را که قیمت آنها به کمتر از قیمت فروش اصلی رسیده است، مورد توجه قرار می‌دهد. برای هر بخش خرده‌فروشی، اغلب از درصد میانگین استفاده می‌شود.

### الگوهای محاسبه بهای تمام شده

23. بهای تمام شده اقلام موجودی که در روال عادی قابل معامله نیستند و کالاها یا خدماتی که برای پروژه‌های خاص بطور مجزا تولید می‌شوند، باید با استفاده از شناسایی ویژه مخارج مختص هر یک از آنها تعیین شود.

24. شناسایی ویژه بهای تمام شده به این معنی است که مخارج معینی به اقلام مشخصی از موجودیها تخصیص می‌یابد. این روش برای اقلامی مناسب است که صرفنظر از خرید یا تولید آنها، به پروژه‌ای خاص اختصاص یافته‌اند. با وجود این، در مواردی که تعداد زیادی از اقلام موجودی در روال عادی قابل معامله باشد، شناسایی ویژه بهای تمام شده مناسب نیست. در چنین شرایطی، روش انتخاب اقلامی که به عنوان موجودی باقی می‌ماند، برای دستیابی به آثار از پیش تعیین شده بر سود یا زیان دوره، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

25. به جز مواردی که مشمول بند 23 می‌شود، بهای تمام شده موجودیها باید با استفاده از الگوی اولین صادره از اولین وارده (فایفو) یا میانگین موزون تعیین شود. واحد تجاری باید برای تمام



## استاندارد بین‌المللی حسابداری 2 موجودیها

موجودیهایی که ماهیت و کاربرد مشابهی برای واحد تجاری دارند، الگوی یکسانی را برای محاسبه بهای تمام شده مورد استفاده قرار دهد. در رابطه با موجودیهایی با ماهیت یا کاربرد متفاوت، الگوهای مختلف محاسبه بهای تمام شده، می‌تواند توجیه‌پذیر باشد.

26. برای مثال، ممکن است کاربرد موجودیهای مورد استفاده در یک قسمت عملیاتی واحد تجاری متفاوت از کاربرد همان موجودیها در قسمت عملیاتی دیگر باشد. با وجود این، تفاوت در موقعیت جغرافیایی موجودیها (یا قوانین مالیاتی مربوط)، به خودی خود، برای توجیه استفاده از روشهای مختلف بهای تمام شده، کافی نیست.

27. در الگوی فایفو فرض می‌شود که آن اقلام موجودی که اول خریداری یا تولید شده‌اند، اول به فروش می‌رسند و در نتیجه، اقلامی که در پایان دوره به عنوان موجودی باقی می‌ماند آنهایی هستند که دیرتر خریداری یا تولید شده‌اند. در الگوی میانگین موزون برای محاسبه بهای تمام شده، بهای تمام شده هر قلم از طریق میانگین موزون بهای تمام شده اقلام مشابه در ابتدای دوره و بهای تمام شده اقلام مشابه خریداری یا تولیدشده طی دوره، تعیین می‌شود. با توجه به شرایط واحد تجاری، میانگین می‌تواند بر مبنای ادواری یا هنگام دریافت هر محموله جدید، محاسبه شود.

### خالص ارزش فروش

28. چنانچه موجودیها آسیب ببینند، تمام یا بخشی از آنها ناباب شود، یا قیمت فروش آنها کاهش یابد، بهای تمام شده آنها ممکن است قابل بازیافت نباشد. همچنین، اگر مخارج برآوردی تکمیل یا مخارج برآوردی فروش افزایش یابد، ممکن است بهای تمام شده موجودیها قابل بازیافت نباشد. رویه کاهش بهای تمام شده موجودیها به خالص ارزش فروش با این دیدگاه سازگار است که داراییها نباید به مبلغی مازاد بر آنچه انتظار می‌رود از فروش یا استفاده از آنها بازیافت شود، به حساب منظور شود.

29. ارزش موجودیها بطور معمول، بر حسب هر قلم، تا خالص ارزش فروش کاهش داده می‌شود. اما در برخی شرایط، گروه‌بندی اقلام مشابه یا مربوط ممکن است مناسب باشد. این موضوع ممکن است زمانی مصداق داشته باشد که اقلام موجودی مربوط به یک خط تولید که اهداف یا کاربرد نهایی مشابهی دارند، در حوزه جغرافیایی یکسانی تولید و بازاریابی شوند، و ارزیابی آنها جدا از سایر اقلام آن خط تولید عملی نباشد. کاهش ارزش موجودیها بر مبنای

## استاندارد بین‌المللی حسابداری 2 موجودیها

طبقه موجودیها، برای مثال، کالاهای تکمیل شده یا بر مبنای تمام موجودیهای یک قسمت عملیاتی خاص، مناسب نیست. ارائه‌دهندگان خدمات عموماً مخارج مرتبط با هر خدمتی که قیمت فروش مجزا برای آن مطالبه می‌شود را تجمیع می‌کنند. بنابراین، با هریک از این خدمات، به عنوان قلمی مجزا برخورد می‌شود.

30. برآورد خالص ارزش فروش، بر مبنای قابل اتکاترین شواهد موجود در زمان برآورد انجام می‌شود و انتظار می‌رود موجودیها به آن مبلغ به فروش برسند. نوسان قیمت‌ها یا مخارجی که بطور مستقیم به رویدادهای واقع‌شده پس از پایان دوره مربوط است، به میزانی که شرایط موجود در پایان دوره را تأیید کند برای انجام این برآوردها در نظر گرفته می‌شود.

31. در برآورد خالص ارزش فروش، هدف از نگهداری موجودی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. برای مثال، خالص ارزش فروش موجودیهایی که به منظور ایفای قراردادهای قطعی فروش یا قراردادهای ارائه خدمت نگهداری می‌شود، مبتنی بر قیمت قرارداد است. اگر قراردادهای فروش، مربوط به مقادیری کمتر از موجودیهای نگهداری‌شده باشد، خالص ارزش فروش مقدار مازاد، بر مبنای قیمت‌های عمومی فروش تعیین می‌شود. در نتیجه قراردادهای قطعی فروش در صورتی که بیشتر از مقادیر موجودی نگهداری‌شده باشد یا در نتیجه قراردادهای قطعی خرید، ممکن است ذخایر ایجاد شود. چنین ذخایری، طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 37 ذخایر، *بدهیهای احتمالی و داراییهای احتمالی*، به حساب گرفته می‌شود.

32. چنانچه انتظار رود محصولات تکمیل‌شده‌ای که مواد اولیه و سایر ملزومات مصرفی در تولید آنها استفاده شده است، به بهای تمام شده یا بیشتر از آن به فروش برسند، مواد و سایر ملزومات مصرفی که برای استفاده در تولید نگهداری می‌شوند، به کمتر از بهای تمام شده کاهش ارزش داده نمی‌شوند. اما، اگر کاهش در قیمت مواد اولیه نشان دهد که بهای تمام شده محصولات تکمیل‌شده بیشتر از خالص ارزش فروش است، مواد اولیه تا خالص ارزش فروش، کاهش ارزش می‌یابد. در چنین شرایطی، بهای جایگزینی مواد اولیه می‌تواند بهترین معیار موجود از خالص ارزش فروش آن باشد.

33. در هر یک از دوره‌های بعدی، ارزیابی جدیدی از خالص ارزش فروش به عمل می‌آید. چنانچه شرایطی که قبلاً سبب کاهش ارزش موجودیها به کمتر از بهای تمام شده، شده بود

## استاندارد بین‌المللی حسابداری 2 موجودیها

برطرف شده باشد یا چنانچه به دلیل تغییر در شرایط اقتصادی، شواهد روشنی از افزایش در خالص ارزش فروش وجود داشته باشد، مبلغ کاهش ارزش برگشت داده می‌شود (یعنی برگشت کاهش ارزش، محدود به مبلغ کاهش ارزش اولیه است)، به‌گونه‌ای که مبلغ دفتری جدید، معادل اقل بهای تمام شده و خالص ارزش فروش تجدیدنظرشده باشد. این موضوع، برای مثال، زمانی رخ می‌دهد که یکی از اقلام موجودی که به دلیل کاهش قیمت فروش، به خالص ارزش فروش نگهداری می‌شود، در دوره بعد همچنان موجود است و قیمت فروش آن افزایش پیدا کرده است.

### شناسایی به عنوان هزینه

34. هرگاه موجودیها به فروش برسند، مبلغ دفتری این موجودیها باید در دوره‌ای که درآمدهای مربوط شناسایی می‌شود، به عنوان هزینه شناسایی گردد. هرگونه کاهش ارزش موجودیها تا مبلغ خالص ارزش فروش و تمام زیانهای مربوط به موجودیها باید در دوره‌ای که کاهش ارزش یا زیان واقع می‌شود، به عنوان هزینه شناسایی گردد. هرگونه برگشت کاهش ارزش موجودیها که ناشی از افزایش در خالص ارزش فروش است، باید در دوره وقوع برگشت کاهش ارزش، به عنوان کاهش هزینه دوره جاری (حداکثر تا میزان کاهش قبلی) شناسایی شود.

35. برخی موجودیها، برای مثال، موجودیهای استفاده‌شده به عنوان جزئی از املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات ساخته شده در داخل واحد تجاری، ممکن است به سایر حسابهای دارایی تخصیص یابد. موجودیهایی که به این شیوه به دارایی دیگر تخصیص می‌یابند، در عمر مفید آن دارایی به عنوان هزینه شناسایی می‌شوند.

### افشا

36. در صورتهای مالی، موارد زیر باید افشا شود:
- الف. رویه‌های حسابداری بکار گرفته شده در اندازه‌گیری موجودیها، شامل الگوی مورد استفاده برای محاسبه بهای تمام شده؛
  - ب. جمع مبلغ دفتری موجودیها و مبلغ دفتری در طبقه‌بندیهای مناسب برای واحد تجاری؛
  - پ. مبلغ دفتری موجودیهایی که به ارزش منصفانه پس از کسر مخارج فروش به حساب گرفته می‌شوند؛
  - ت. مبلغ موجودیهایی که طی دوره به عنوان هزینه شناسایی می‌شوند؛
  - ث. مبلغ هرگونه کاهش ارزش موجودیها که طبق بند 34، طی دوره به عنوان هزینه شناسایی می‌شود؛
  - ج. مبلغ هرگونه برگشت کاهش ارزش که، طبق بند 34، به عنوان کاهش هزینه دوره جاری شناسایی می‌شود؛

## استاندارد بین‌المللی حسابداری 2 موجودیها

ج. شرایط یا رویدادهایی که طبق بند 34، منجر به برگشت کاهش ارزش موجودیها می‌شود؛

ح. مبلغ دفتری موجودیهایی که در وثیقه بدهیها هستند.

37. اطلاعات درباره مبالغ دفتری طبقات مختلف موجودیها و میزان تغییر در این داراییها، برای استفاده‌کنندگان صورتهای مالی مفید است. طبقات رایج موجودیها شامل کالا، ملزومات تولیدی، مواد اولیه، کار در جریان ساخت و کالای تکمیل‌شده است. موجودیهای ارائه‌دهندگان خدمات ممکن است به عنوان کار در جریان ساخت تلقی شود.

38. مبلغ موجودیهایی که طی دوره به عنوان هزینه شناسایی می‌شود و اغلب به عنوان بهای تمام شده فروش از آن نام برده می‌شود، دربردارنده سربار تولید تخصیص‌نیافته، مبالغ غیرعادی مخارج تولید موجودی و آن دسته از مخارجی است که قبلاً در اندازه‌گیری موجودیهایی که در حال حاضر به فروش رسیده، لحاظ شده است. شرایط واحد تجاری ممکن است احتساب مبالغ دیگر، مانند مخارج توزیع، را ایجاب کند.

39. برخی واحدهای تجاری برای سود یا زیان دوره، از قالبی استفاده می‌کنند که علاوه بر بهای تمام شده موجودیها، مبالغ دیگری را که طی دوره به عنوان هزینه شناسایی شده است، افشا می‌کند. در این قالب، واحد تجاری با استفاده از طبقه‌بندی براساس ماهیت هزینه‌ها، هزینه‌ها را تفکیک و ارائه می‌کند. در این مواقع، واحد تجاری مخارجی را که بابت مواد اولیه و ملزومات مصرفی، مخارج دستمزد و سایر مخارج، به عنوان هزینه شناسایی شده است همراه با خالص تغییر در موجودیها طی دوره، افشا می‌کند.

### تاریخ اجرا

40. واحد تجاری باید این استاندارد را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول ژانویه سال 2005 یا پس از آن شروع می‌شود، بکارگیرد. بکارگیری پیش از موعد توصیه می‌شود. چنانچه واحد تجاری این استاندارد را برای دوره‌ای که قبل از اول ژانویه سال 2005 شروع می‌شود بکارگیرد، باید این موضوع را افشا کند.

40الف. [این بند اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

40ب. [این بند اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

## استاندارد بین‌المللی حسابداری 2 موجودیها

40پ. استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 13، منتشر شده در می سال 2011، تعریف ارزش منصفانه در بند 6 را اصلاح و بند 7 را اصلاح کرد. واحد تجاری باید هنگام بکارگیری استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 13، این اصلاحات را اعمال نماید.

40ت تا 40ج. [این بندها اشاره به اصلاحاتی دارد که هنوز لازم‌الاجرا نشده است و بنابراین، در این ویرایش درج نشده است.]

### کنارگذاری سایر بیانیها

41. این استاندارد، جایگزین استاندارد بین‌المللی حسابداری 2 موجودیها (تجدیدنظر شده در سال 1993) می‌شود.

42. این استاندارد جایگزین تف‌سیر 1 کمیته تف‌سیر مباحث جاری ثبات رویه-الگوهای مختلف برای محاسبه بهای تمام شده موجودیها می‌شود.